اقتصاد ایران
تلاش برای افزایش امنیت مخابرات ۱۲

بورس
نگاه طلافروشان به بازار لندن ... ۱۳

اقتصاد جهان
بلر دنبال شغل آینده ..... ۱۴

اقتصاد جهان
دبیرکل سابق ناتو در بریتیش پترولیوم ۱۴


### گفت‌وگو با علاء میرمحمد صادقی از قرض‌الحسنه جاوید تا سازمان اقتصاد اسلامی

# سازمان اقتصاد اسلامی به هیچ تشکل سیاسی وابسته نیست

بهناز صادق‌پور

علاء میرمحمد صادقی آرام و با طمانینه سخن می گوید. لهجه اصفهانی دارد و بسیار مهمان‌نواز است. به عادت همشهری‌های خود هنگام ورود و خروج تا دم در به استقبال می‌آید و بدرقه می‌کند. برخلاف سن و سالش هنوز بسیار فعال است و در کنار تجارت، دستی در امور خیریه دارد. او که همواره به مراکز قدرت نزدیک بوده، بنابر تشخیص و علاقه خود در بخش خصوصی فعال است و هیچ‌گاه سودای پست دولتی را در سر نپرورانده است. در بسیاری از تشکل‌های سیاسی دوستانی دارد و تاکید می‌کند که دوستی با سیاسیون به معنی عضویت در تشکل‌های مربوط به آنها نیست. از بدو انقلاب در اتاق بازرگانی ایران فعال بوده و در کنار آن در سازمان اقتصاد اسلامی نیابت آیت‌الله غیوری را بر عهده دارد. میرمحمد صادقی چنان از خاطرات و رفت و آمدهای بزرگانی چون مرحوم بهشتی و مطهری به خانه خود سخن می‌گوید که انگار همه وقایع مربوط به هفته گذشته است. او بنیانگذار ۱۶ واحد صنعتی بوده و تاسیس بسیاری از موسسات خیریه با نام او عجین شده است. مصاحبه شرق با نایب رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران درخصوص شکل‌گیری قرض‌الحسنه‌ها و سازمان اقتصاد اسلامی را بخوانید.

■■■

**■اجازه بدهید از صندوق ذخیره جاوید، اولین قرض‌الحسنه‌ای که در دل بازار شکل گرفت، شروع کنیم. این صندوق با چه انگیزه‌ای در مسجد لرزاده تاسیس شد؟**

از دقت شما تشکر می‌کنم و اینکه برای روشن شدن برخی از مسائل تاریخی به خصوص صندوق‌های قرض‌الحسنه تلاش می‌کنید. در حدی که امروز به یاد دارم سعی می‌کنم مسائل را تشریح کنم. انگیزه تاسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه از سال ۱۳۴۶ بین مردم ایجاد شد. شاید مبدأ تشکیل صندوق‌ها این بود که در آن زمان خفقان فوق‌العاده شدیدی در مسائل اجتماعی وجود داشت. در عین حال مردم اجازه فعالیت‌های سیاسی نداشتند. دولت و ساواک کاملاً بر حرکات مردم مسلط بودند و از هر تحرک و تجمعی در جامعه جلوگیری می‌کردند. این در حالی بود که گروهی از مردم مایل بودند حرکات اجتماعی داشته باشند. این عده احساس می‌کردند که در مقابل مشکلاتی که برای مردم عادی و فقیر وجود دارد، باید کمک‌هایی را در حد توان خود انجام دهند. از جمله مشکلات ما در آن زمان، متکدیانی بودند که در نماز جماعت، بین صفوف حرکت می‌کردند و وجه بلاعوضی مطالبه می‌کردند. الان بحمدالله این مسئله بسیار کم شده یا در مساجد وجود ندارد. آن زمان در مساجد بین دو نماز عده‌ای بین صفوف راه می‌افتادند و مطالبه پول داشتند. برخی می‌گفتند ما شغل داشتیم، اما موقتاً شغل خود را از دست دادیم. اگر کسی به ما کمک کند ما آماده‌ایم پول را ظرف مدت مشخصی برگردانیم.

**■یعنی قرار بود صندوق قرض‌الحسنه جاوید، پرداخت بلاعوضی هم داشته باشد؟**

خیر، این مسائلی که عرض می‌کنم قبل از تشکیل صندوق بود. عده‌ای از متدینین آن زمان گاهی افراد خواهان وام یا پول بلاعوضی را می‌شناختند. گروهی از متدینین به این فکر افتادند که مرکزی ایجاد کنند و پولی روی هم بگذارند تا این مراجعین به مساجد را که موقتاً نیاز به وجهی دارند، تحت پوشش قرار دهند. این صندوق از آن زمان شکل گرفت.

**■در همان مسجد لرزاده؟**

بله، رقم کمی روی هم گذاشتند.

**■رقم چقدر بود؟**

به خاطر دارم وام‌های اولیه صندوق ۵ تومان بود. بعدها به مرور به ۲۰ تومان، ۱۰۰ تومان و اواخر به ۵۰۰ تومان رسید. البته از پرداخت وام ۵ تومانی تا وام ۵۰۰ تومانی، زمان طولانی‌ای سپری شد. به مرور اکثر افراد محلی صندوق را شناخته بودند. فردی هم عهده‌دار دریافت پول و پرداخت وام شد. دفترچه‌ای هم برای سپرده‌گذاران چاپ شد.

**■هسته اولیه متدینین که صندوق را تشکیل دادند، چه کسانی بودند؟**

چند نفر را هنوز به خاطر دارم. مرحوم حاج آقا تقی خاموشی که برادر بزرگ آقای خاموشی (رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران) بودند، مرحوم حاج حسین عطایی، حاج عبدالله مهدیان و اصغر رخ‌صفت از افراد اصلی شکل‌دهنده صندوق بودند.

**■خود شما هم در این جمع حضور داشتید؟**

من به عنوان مشاور حضور داشتم. در آن زمان در بازار مشغول کار بودم. وقتی این جریان راه افتاد، بنده، مرحوم آقای عالی‌نسب، مرحوم آقای توسلی و حاج ابوالفضل کرداحدی به عنوان هیات مشاور صندوق تعیین شدیم تا از جهت مالی فعالان صندوق را راهنمایی کنیم. هدف این بود که صندوق با مضیقه مواجه نشود. یعنی اینگونه نباشد که مردم پول خود را به صندوق بسپرند و مردم وام بگیرند، اما بعد وقتی عده‌ای برای دریافت سپرده خود مراجعه کردند، صندوق موجودی نداشته باشد. بنابراین هیات مشاوران به نوعی پشتوانه صندوق بودند. مدتی که از عملکرد صندوق گذشت، متوجه شدیم که فعالیت صندوق محلی است. سپرده‌گذاران محدود بودند به اهالی خیابان خراسان و خیابان لرزاده، دریافت‌کنندگان وام البته بیشتر بودند. با توجه به اینکه برخی از افراد تشکیل‌دهنده صندوق در بازار فعال بودند، پیشنهاد شد، مرکزی در بازار داشته باشیم. آن روز تمام کار تجارت و دادوستد در بازار انجام می‌شد. لذا در سال ۱۳۵۱، در سرای رحیمیه بازار محلی را به صندوق اختصاص دادند. محل متعلق بود به شخصی به نام فرسایی که دفتر کار خود را به صورت رایگان به صندوق واگذار کرد.

**■اسم این صندوق چه بود؟**

صندوق اندوخته جاوید. صندوق اول که در مسجد لرزاده تشکیل شد، صندوق ذخیره جاوید بود. وقتی این صندوق جدید تشکیل شد، خود من هم از روز اول وارد صندوق شدم و مسئولیت‌هایی را بر عهده گرفتم.

عکس: مهدی حسنی/ شرق

**■رئیس هیات‌مدیره صندوق هم بودید؟**

بله، ابتدا آقای فرسایی و بعد آقای انصارین بودند. بعد من رئیس هیات‌مدیره شدم. امروز هم هنوز ریاست هیات‌مدیره صندوق به نام من است.

**■با تشکیل صندوق اندوخته جاوید، صندوق مسجد لرزاده هم به فعالیت خود ادامه داد؟**

بله، کما اینکه آن صندوق هنوز هم فعال است. هر دو صندوق هنوز فعال هستند. در بازار صندوق رونق بیشتری گرفت. کسانی که به عنوان هیات‌مدیره صندوق تعیین شدند اولاً از همان هیات قبلی بودند و دیگر اینکه عده‌ای از متدینین معروف بازار به صندوق آمدند و سپرده گذاشتند. نیازمندان بیشتری به صندوق مراجعه می‌کردند و به مرور ارقام وام‌ها هم افزایش پیدا کرد. سقف وام که در صندوق اول ۵۰۰ تومان بود- که ۲۰ تا ۲۵ ماهه به صندوق برگردانده می‌شد- در صندوق جدید به ۱۵۰۰ تومان و بیشتر از آن افزایش پیدا کرد.

**■مدتی که از فعالیت صندوق گذشت، ساواک نسبت به کار صندوق حساس شد. دلیل این حساسیت فعالیت سیاسی صندوق بود یا روی برخی از اعضای هیات‌مدیره حساس بودند؟**

همین طور بود. کم‌کم وقتی صندوق به مرکزی تبدیل شد که مردم مراجعه می‌کردند ساواک حساس شد. صندوق به کسانی وام می‌داد که نیاز بیشتری داشتند، بدون آنکه به مسائل سیاسی آنها توجه کند. همین مسئله ساواک را ناراحت کرده بود. از ساواک بارها به صندوق مراجعه می‌کردند. حتی زمانی با تمدید پروانه صندوق مخالفت کردند.

**■دلیل مخالفت با تمدید پروانه چه بود؟**

می‌گفتند برخی افراد نباید در هیات‌مدیره حضور داشته باشند.

**■روی چه کسانی حساس بودند؟**

یکی آقای خادم‌حسینی بود که ساواک روی او حساس بود و می‌گفت اسم ایشان نباشد.

**■چرا روی این شخص حساس بودند؟**

می‌گفتند این شخص در بازار با دستگاه دولت مخالفت می‌کند.

**■با این وجود پروانه تمدید شد؟**

پروانه تمدید شد. ما هم اسم کسانی را که ساواک به آنها حساس بود، در هیات‌مدیره نگذاشتیم. البته اینها در صندوق فعالیت می‌کردند. در آن زمان ساواک از کسانی که دستگیر می‌کرد، می‌پرسید که در مدت فراری بودن از چه طریقی امرارمعاش می‌کردند. برخی از افراد در اقاریرشان گفته بودند که از صندوق وام گرفته‌اند. به خصوص یک مورد در صندوق اندوخته جاوید بود که فردی را گرفتند، پس از شکنجه فراوان این فرد اقرار کرده بود که از صندوق وام گرفته است. اتفاقاً این شخص از طرف آقای هاشمی‌رفسنجانی به صندوق معرفی شده بود.

**■آیا صندوق این حساسیت را داشت که اگر کسی مسئله سیاسی داشت به او وام ندهد یا برعکس تمایل داشت به سیاسیون وام بدهد.**

خیر، هدف اصلی صندوق رفع نیازمندی بود. صندوق برای کار سیاسی وام نمی‌داد اما اگر نیازمندی مراجعه می‌کرد که تحت تعقیب بود یا مسئله سیاسی داشت، صندوق صرف این مسئله وام را قطع نمی‌کرد.

اگر فرد نیازمند سیاسی بود و وام می‌خواست، صندوق پرداخت می‌کرد. پس از دستگیری شخصی که گفتم روی صندوق اندوخته جاوید حساسیت فوق‌العاده‌ای پیدا کردند. حتی یک بار به محل صندوق هجوم آوردند و نوشته‌ها و دفاتر را بردند به ساواک. آن زمان مدیرعامل مرحوم حاج کریم انصارین بودند. ایشان هم دستگیر شدند. این شخص مومن و بسیار بی‌سروصدا بود. ایشان با دستگاه موافق نبود، اما در فعالیت‌های سیاسی هم دخالتی نداشت. پس از اینکه ساواک سوابق ایشان و اسناد و مدارک را بررسی کرد و متوجه شد هدف صندوق سیاسی نیست، اسناد را- نه به طور کامل- رجوع و مدیرعامل را آزاد کردند. البته تذکر دادند شما باید گزارش بدهید که به چه کسانی وام می‌دهید. هیات‌مدیره نه به طور علنی، اما باطناً این موضوع را نپذیرفت و هیچ‌گاه به ساواک گزارشی ندادند. هیات‌مدیره، ساواک را قانع کردند که ما در کار وام‌دهی دقت خیلی زیادی نداریم ضمناً اگر بگوییم به چه کسانی وام دادیم، آبروی افراد می‌رود. بالاخره صندوق زیر فشار فوق‌العاده بود و نیاز مردم هم با بزرگ شدن تهران بیشتر می‌شد. در بسیاری از نقاط تهران مردم خواهان صندوق بودند.

**■تقاضا می‌کردند شعب صندوق در محله‌ها ایجاد شود؟**

می‌گفتند یا شعبه بگذارید یا اختصاصاً صندوقی داشته باشیم. شهرستان‌ها هم متقاضی بودند. در برخی نقاط تهران در مساجد مختلف چنین صندوق‌هایی تشکیل شد. اعضای صندوق اندوخته جاوید و ذخیره جاوید هم کمک و راهنمایی می‌کردند.

**■پس صندوق‌ها به صورت محلی بود و عملاً نظارتی هم وجود نداشت؟**

عده‌ای افراد معتبر که در محله‌های مختلف بودند، صندوق‌ها را تشکیل دادند. مثلاً در شرق تهران صندوق پس‌انداز مسلمین تشکیل شد.

**■قبل از اینکه به این بحث برسیم، در مورد حساسیت ساواک روی صندوق آیا این نکته دخیل نبود که تعداد زیادی از هیات‌مدیره صندوق عضو یا سمپات موتلفه اسلامی بودند؟**

البته کسانی که بودند همگی موتلفه اسلامی نبودند. اما در عین حال همه این افکار را داشتند. چون افراد متدین و افراد مقید به رعایت موازین اسلامی بودند، همه را یک طیف می‌دانستند. اما همگی عضو نبودند و جنبه ستاد مبارزه با حکومت نداشتند. البته افکار مشابهی بود مبنی بر اینکه با رفتار دولت موافق نبودند. حتی در شهرستان‌ها هم که صندوق تشکیل می‌شد، می‌بینید که طیف خاصی هستند. امروز هم همینطور است. شاید اسم تشکل خاصی را هم ندانند اما عملاً افراد به طیف خاصی تعلق دارند. نمی‌شود صندوق‌های قرض‌الحسنه را به هیچ تشکلی وابسته دانست.

**■وقتی به سال‌های انقلاب نزدیک شدید هم صندوق کار سیاسی نکرد؟**

در سال‌های نزدیک به انقلاب، صندوق‌ها تلاش می‌کردند کار خود را توسعه دهند. در برخی شهرستان‌ها، ماموران نیروی انتظامی با تشکیل صندوق مخالفت می‌کردند و روسای صندوق توسط مامورها دستگیر می‌شدند.

**■چرا؟**

می‌گفتند با ایجاد مرکز اسلامی موافق نیستیم. باید همه‌چیز زیرنظر ساواک باشد. می‌گفتند احتمال دارد در مخالفت با ما هم کارهایی بکنید. همین حرکت در اواخر حکومت قبل، باعث شد، موسسان یا دست‌اندرکاران صندوق‌ها به این فکر بیفتند که اگر مرکزی داشتیم یا بانکی بود که صندوق‌ها شعبات آن باشند، راحت‌تر فعالیت می‌کردیم.

**■این تفکر درست اوایل سال ۱۳۵۷ شکل گرفت؟**

بله، اما تا به ثمر رسیدن انقلاب امکان تقاضای چنین خواسته‌هایی وجود نداشت.

**■یعنی حتی پیشنهاد تشکیل بانک اسلامی را قبل از انقلاب مطرح نکردید؟**

خیر، در آن زمان بانک به افراد خاصی داده می‌شد. اما در ذهن این گروه این فکر بود که مرکزی تاسیس شود که شبکه صندوق‌های قرض‌الحسنه را داشته باشد و این سنت الهی را کنترل کند. در آن زمان کسانی که برای سرکشی به صندوق‌ها می‌رفتند، با این خطر مواجه بودند که مامورها آنها را دستگیر کنند. به مجرد اینکه انقلاب پیروز شد، در اسفند ۱۳۵۷ و اوایل سال ۱۳۵۸ به فکر مطرح کردن تقاضای تاسیس بانک اسلامی بودیم.

**■مشخصاً کدام گروه این خواسته را مطرح کرد. همان هیات‌مدیره صندوق اندوخته جاوید؟**

همان افراد و یک عده از تجاری که در بازار شهرت داشتند.

**■افراد سرشناس متقاضی بانک چه کسانی بودند؟**

حدود ۲۰ نفر سرمایه‌گذار اولیه بودند که برای تاسیس بانک اسلامی، اعلام آمادگی کردند. این گروه با اشاره مرحوم آیت‌الله دکتر بهشتی، مرحوم مطهری و موسوی‌اردبیلی اعلام آمادگی کردند. آقایان بهشتی، مطهری و موسوی اردبیلی تشویق می‌کردند الان که موقعیت است، خوب است بانک اسلامی تاسیس شود. لذا هیاتی خدمت امام رفتند که خود من هم حضور داشتم.

**■این هیات چه کسانی بودند؟**

آقای انصارین، آقای اعتمادیان که الان مشاور رئیس‌جمهور هستند و چند فرد دیگر. خود من هم بودم، در قم خدمت امام رفتیم. مرحوم مطهری هم بودند. خدمت ایشان گفتیم می‌خواهیم این کار را انجام دهیم، ایشان گفتند کار خوبی است، انجام بدهید. خدمت ایشان عرض شد اگر چنین بانکی تاسیس شود، شما آنجا حساب باز می‌کنید؟ ایشان گفتند بله و قرار شد حساب شماره یک به نام امام باشد. قبول کردند یک سهم هم به نام امام باشد. بنابراین وقتی امام وجود بانک اسلامی و داشتن یک سهم ۱۰۰ تومانی را تایید کردند، افراد تشویق شدند و برای دریافت مجوز به بانک مرکزی مراجعه کردند.

**■این تقاضا در زمان دولت موقت مطرح شد؟**

بله، آن زمان رئیس بانک مرکزی دکتر موسوی بودند. من چند جلسه در شوراهایی که مربوط به این کار بود شرکت کردم. عده‌ای چون افکار قدیم را داشتند با بانک اسلامی مخالفت کردند.

**■ظاهراً در آن زمان ۶ وزیر دولت موقت در موضع گیری در برابر تشکیل بانک اسلامی، تهدید به استعفا می‌کنند.**

بله، البته کمی بعدتر بود. ابتدا مجوز را گرفتیم و اعلان پذیره‌نویسی کردیم.

**■سرمایه اولیه چقدر بود؟**

قرار بود ۲۰۰ میلیون تومان باشد.

**■با سرمایه ۲۰ نفر موسس؟**

۲۰ نفر اولیه، مجموعاً حدود ۱۰ میلیون تومان دادند و ۱۹۰ میلیون تومان برای خرید مردم در نظر گرفته شد. در دو مرحله که آگهی شده به جای ۲۰۰ میلیون، مردم ۴۰۰ میلیون تومان سرمایه گذاشتند. البته بعداً در هیات موسس بحث شد و گفتند چون قرار بود سرمایه اولیه ۲۰۰ میلیون تومان باشد، باید پول مردم را پس بدهیم. با چه زحمتی مقداری را که اضافه واریز کرده بودند به مردم برگرداندیم. مقدمات تاسیس بانک اسلامی با سرمایه اولیه فراهم شد. در همان زمان دولت موقت خیلی از موسسات را ملی کرد. صنایع، بانک‌ها و بیمه‌ها هم ملی شدند. گفتند بخش خصوصی حق ندارد تصدی این کارها را برعهده داشته باشد. ما مراجعه کردیم و گفتیم بانک مراحل اولیه را طی کرده و در حال تاسیس است.

**■ساختمان بانک هم مشخص شده بود؟**

بله، در خیابان فردوسی محلی گرفتیم و برای ساختمان دیگری هم مذاکره کردیم که الان شرکت گسترش است. دولت موقت مخالفت کردند.

**■دلیلشان برای مخالفت چه بود؟**

دلیل این طور عنوان شد که اخیراً اعلام کرده‌ایم، تمامی بانک‌ها ملی بشوند. به ما گفتند اگر شما بخواهید بانک تاسیس کنید باید ملی شود. ما سرمایه مردم را می‌گیریم، بانک را هم در اختیار خواهیم گرفت. یعنی یک بانک دولتی باشد. ما به امام مراجعه کردیم و خدمت ایشان شرفیاب شدیم. گفتیم دولت موقت چنین می‌گوید، ما هم بانک را تاسیس کرده‌ایم چه کار کنیم. امام فرمودند این بانک استثنا است. بانک‌هایی که قرار شد ملی شوند، آنهایی بودند که کار ربوی می‌کردند. بانک اسلامی فعالیت غیرربوی می‌کند. در مقابل دولت موقت موضع گرفتیم که به هیچ عنوان قبول نمی‌کنیم بانک اسلامی، ملی شود. جلسات متعددی با هیات دولت و افراد مختلف گذاشتیم. به تدریج این بانک، مسئله روز شده بود در مخالفت عده‌ای با دولت موقت. این مطلب وسیله‌ای شده بود که بانک‌های قبلی مثل بانک انگلیس، بانک هلند و بانک روسی هم مدعی شوند که به شیوه قبلی برگردند. نهایتاً دولت موقت به شورای انقلاب اعلام کرد که در صورت تشکیل بانک اسلامی، ۶ نفر از وزرا استعفا می‌کنند.

**■این ۶ نفر چه کسانی بودند؟**

این مسئله را دکتر سحابی به ما گفتند. دکتر سحابی از طرف شورای انقلاب و دولت موقت ماموریت داشت که با ما صحبت و ما را راضی کند که از تاسیس بانک اسلامی دست بکشیم.

**■وزرای اقتصادی بودند؟**

بله، همان کسانی که متولی ملی شدن صنایع، بانک‌ها و بیمه‌ها بودند. اصلاً پیشنهاد ملی شدن توسط بعضی از اعضای هیات دولت مطرح شد. یکی از این افراد خود آقای سحابی بودند که در ملی شدن‌ها نقش داشتند. ایشان معتقد بودند در صورت ملی شدن، دولت با نظارت کامل می‌تواند به بهبود اوضاع کمک کند. البته در آن روزها مشکلات زیادی وجود داشت. در آن زمان برای بعضی از موارد ملی شدن ضرورت داشت. در هر صورت این تصمیم ربطی به بانک اسلامی نداشت.

**■ پس دکتر سحابی هم مخالف بودند.**

ایشان می‌گفتند از این کار صرف‌نظر کنید. شورای انقلاب هم پیام فرستاد که دولت را زیر فشار نگذارید.

**■پس برخلاف نظر امام (ره) وزرای مخالف روی نظر خود پافشاری کردند.**

بله، وزرا روی نظر خود ایستادند و گفتند به صورت یکسان باید اداره بانک‌ها در اختیار دولت باشد. بعد از آمدن پیام شورای انقلاب - که شاید با امام هم تماسی داشتند - جلسه‌ای گذاشتیم که راه‌حل پیداکنید. سر و صدای زیادی هم در مورد بانک اسلامی راه افتاده بود.

ادامه در صفحه ۱۲

تفسیر اقتصادی

## سئوالاتی پیرامون بنزین

دکتر مسعود نیلی

اقتصاد یکی از معدود علومی است که پایه اصلی خود را بر رفتارشناسی در سطح خرد قرار داده و تلاش می‌کند تا تحولات شاخص‌های اقتصاد کلان را از طریق کشف قانونمندی‌های حاکم بر انتخاب‌های فردی توضیح دهد. تاکید زیاد علم اقتصاد بر رفتارشناسی فردی، آن را در مشابهت با علم روانشناسی قرار می‌دهد. اما از میان تفاوت‌های زیاد بین این دو حوزه از علوم، یک تفاوت بیش از بقیه می‌تواند مورد تاکید باشد و آن این است که علم روانشناسی به کار روانشناس می‌آید تا به طور «مستقیم» و از طریق ارتباط با فردفرد مردم به حل مشکل بپردازد. در حالی‌که علم اقتصاد و نتایج آن در اختیار سیاستگزار قرار می‌گیرد تا با تکیه بر قانونمندی‌های حاکم بر رفتارهای فردی، به طور متمرکز و «غیرمستقیم» رفتارها را تحت تاثیر قرار داده و عملکرد مطلوب اقتصاد را نتیجه بگیرد. از این نظر، می‌توان علم اقتصاد را علم سیاستگزاری نامید. سیاستگزاری، کاری «سهل» و «ممتنع» است. سهل از آن جهت که با قیام و قعودی ساده و یا بالابردن دستی می‌توان رای به تصمیمی داد که معیشت و رفاه میلیون‌ها نفر را تحت تاثیر قرار دهد و ممتنع از این نظر که اگر سیاستگزاری بخواهد با تکیه بر قواعد علمی صورت بگیرد، مقدماتی باید فراهم شود که نیاز به قابلیت‌های بسیار دارد. عرصه تصمیم‌گیری در کشور ما، ظرف چند ماه گذشته بر طرف سهل آن چرخیده و تصمیماتی بسیار مهم در زمینه‌های مختلف از قبیل نرخ بهره، دستمزد، تعرفه، حجم بودجه، رشد نقدینگی و چگونگی ارتباطات بین‌الملل با سرعت و سادگی فراوان اتخاذ شده است. اقتصاددانانی که از دور تنها نظاره‌گر فرآیند تصمیم‌گیری‌اند، با نوشتن مقاله و اظهارنظر در مجامع، پیامدهای محتمل را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند. شاید یک سئوال اساسی این باشد که چگونه می‌توان به تصمیم‌گیرنده کمک کرد تا تصمیم ناصحیح نگیرد و مسیر درست را انتخاب کند. مسلماً ارائه کمک در زمینه «شیوه تصمیم‌گیری درست» بهتر از پیشنهاد «تصمیم درست» است. اینکه چگونه تصمیم بگیریم تا بتوانیم از نتیجه آن دفاع کنیم قابلیت مهمی است. نگارنده در حدی که محدودیت روحیه و وقت اجازه دهد، تلاش خواهد کرد تا چارچوب‌های صحیح تصمیم‌گیری را در مورد موضوعات مختلف ارائه کند. شاید تصمیم‌گیرندگان کشور در سطوح مختلف، با بررسی آن بتوانند به نتایج مناسبی دست پیدا کنند. شیوه کار اینچنین خواهد بود که سئوالات اصلی مرتبط با یک موضوع تصمیم‌گیری مطرح خواهد شد تا همه با مطالبه پاسخ آنها بتوانند به ارزیابی پیامدهای هر تصمیم بپردازند. موضوع بنزین این روزها یکی از مسائل مهم تصمیم‌گیری کشور است. در این نوشته، مهمترین سئوالات مربوط به دو گزینه در دو سوی یک تصمیم را مطرح خواهم کرد. هر چه تلاش کردم، انگیزه‌ای برای صرف وقت در نوشتن سئوالات مربوط به اصلاح کلی قیمت بنزین پیدا نکردم و لذا در این نوشته تنها به دو گزینه که این روزها بیشتر در محافل تصمیم‌گیری مطرح می‌شود پرداخته خواهد شد. وقتی می‌خواهیم در مورد موضوع بنزین تصمیم‌گیری کنیم چه نکاتی را باید مدنظر قرار دهیم تا مطمئن شویم اولاً همه چیز را در نظر گرفته‌ایم و مطلبی از قلم نیفتاده و ثانیاً مقایسه صحیحی بین پیامدهای هر تصمیم به عمل آورده‌ایم. برای پاسخ به این سئوال در خطوط ذیل، سئوالات مرتبط با هر یک از دو گزینه مطرح می‌شود:

### ■ ۱- ادامه روند موجود

۱-۱- در صورت ادامه وضع موجود تعداد خودروهای کشور در پنج سال آینده به چه میزان خواهد رسید؟

۱-۲- با توجه به ثابت ماندن قیمت بنزین و وجود تورم در دو گزینه بیش از بیست درصد و بیش از ده درصد (و کمتر از ۱۵ درصد)، و در نتیجه ارزان شدن نسبی بنزین و گران‌تر شدن نسبی تعمیر ماشین به منظور کاهش مصرف و در نتیجه به صرفه‌تر شدن ادامه بهره‌برداری از خودروهای فرسوده، مصرف بنزین به ازای هر خودرو به چه میزان افزایش پیدا خواهد کرد؟

ادامه در صفحه ۱۲